



نوع مقاله: پژوهشی

مطالعه، گونه‌شناسی و طبقه‌بندی سنگ‌مزارهای دوران ایلخانی تا قاجاریه در ایران

سعید ستارنژاد^{۱*}، علی اکبر راه‌چمنی^۲، صمد پروین^۳

^۱ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل
^۲ دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی همدان.
^۳ دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل.



10.22080/jiar.2021.3221

چکیده

مسأله مرگ و جهان پس‌از آن یکی از تفکرات اساسی آدمی از آغاز خلقت تا به امروز بوده است. این بینش در تمامی جوامع، دارای مجموعه‌ای از نمودها و جلوه‌های گوناگون است. یکی از اجزاء جدایی‌ناپذیر این تفکر در بین تمامی جوامع از روزگاران کهن تا به امروز که همچون ابزاری اساسی برای نمودهای عینی و معنوی آن به‌کاررفته، مزار و سنگ‌مزارهاست. اگرچه در زمینه ساخت مزار و نشانه‌های مرتبط با آن در جوامع گوناگون دیدگاه‌های متفاوت وجود دارد، این پدیده در جهان‌بینی ایرانی - اسلامی جایگاه ویژه‌ای داشته و در فرم‌های مختلف و نقش‌مایه‌های تزئینی متنوع ایجاد شده‌اند. این پژوهش ضمن مطالعه آرایه‌های به‌کاررفته در سنگ‌مزارهای ۲۳ گورستان در مناطق مختلف کشور، به طبقه‌بندی سنگ‌مزارها از نظر شکل ظاهری، نحوه قرارگیری و تحلیل مفاهیم به‌کاررفته در نقش‌مایه‌های سنگ‌مزارها پرداخته و به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است؛ ۱. سنگ‌مزارهای دوران ایلخانی تا قاجاریه از نظر شکل ظاهری و نحوه ایستایی در چند دسته قابل طبقه‌بندی هستند؟ ۲. مفاهیم به‌کاررفته در نقش‌مایه‌ها نشانگر چیست؟ این پژوهش، به روش توصیفی - تحلیلی به همراه مطالعات اسنادی و میدانی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سنگ‌مزارها از منظر شکل و نحوه قرارگیری در سه نوع عمودی، افقی و ترکیبی با گونه‌های مختلف قابل دسته‌بندی هستند؛ همچنین از لحاظ آرایه‌های تزئینی دارای انواع مختلفی با مفاهیم متنوعی است (از جمله: الف) انسانی، (ب) گیاهی، (ج) حیوانی، (د) انتزاعی - هندسی، (ه) اشیاء و ابزارآلات. به باور نگارندگان گستردگی حوزه پراکنش و وجود وحدت در نقش‌مایه‌ها، خطوط و مضامین کتیبه‌های سنگ‌مزارهای مورد مطالعه بیانگر آن است؛ که این سنگ‌مزارها صرفاً به مذهب، دوره و جغرافیایی خاص محدود نبوده‌اند؛ بلکه نشانگر ماهیت ایرانی - اسلامی بودن آن‌هاست.

دریافت:

۱۴۰۳/۱۰/۱۲

بازنگری:

۱۴۰۳/۱۲/۱۵

پذیرش:

۱۴۰۳/۱۲/۲۷

کلیدواژه‌ها:

فرهنگ ایرانی - اسلامی،
سنگ‌مزار، گونه‌شناسی،
نقش‌مایه.

* نویسنده مسئول: سعید ستارنژاد

آدرس: اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده ادبیات و علوم ایمیل: saeidsattarnejad@yahoo.com
 انسانی، گروه باستان‌شناسی.



۱ مقدمه

چگونگی گذر روح از جهان خاکی به عالم غیب یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های انسان در طول تاریخی بوده است. آیین‌های مربوط به دفن مردگان از مرموزترین و در عین حال از شگفت‌انگیزترین رفتارهای جوامع باستان است. جوامع مختلف در طی هزاره‌ها هر یک به روشی خاص مردگان خود را به‌سوی دنیای ناشناخته مرگ بدرقه می‌کردند. در فرهنگ و باور جوامع ایران قبل از اسلام به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و اعتقادی طیفی متنوع از قبور در دوران مختلف تاریخ شکل گرفته است؛ از جمله گورهای کلان سنگی در گورستان قلعه خسرو (رضالو، ۱۳۸۴)، کورگان محوطه جعفرآباد ایلروانی قدیم، (۱۳۸۹)، چهارچینه سنگی پشتکوه لرستان (Overlaet, 2005:20)، خشتی گورستان دینخواه (Muscarella, 1974:48) و نوع چاله‌ای محوطه وسکه (خلعتبری، ۱۳۸۳) متعلق به عصر مفرغ، آهن I و II تا گوردخمه‌های استان فارس (گریشمن، ۱۳۷۱)، گورهای نوع خمره‌ای گرمی (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۷)، تابوتی محوطه چشمه سار، سنگ‌شیر همدان و دستوای شوشتر (سعیدی هرسینی، ۱۳۷۵: ۸۴) متعلق به دوره اشکانی و انواع گورهای دوره ساسانی فارس (ترومپلمن، ۱۳۷۲: ۲۹) را در برمی‌گیرد.

هرچند با ورود دین اسلام به ایران، در سنت تدفین یکپارچگی ایجاد گردید با این حال طیف وسیع و متنوعی از سنگ‌مزارها شکل گرفته و به‌دلیل ارزش‌های نهفته در بطن سنگ‌مزارها، در کشورهای همجوار پژوهش‌های بسیاری در باره آن صورت گرفته است؛ با این حال تاکنون پژوهش جامع پیرامون گونه‌شناختی و طبقه‌بندی سنگ‌مزارهای اسلامی ایران به‌خصوص در دوران ایلخانی تا قاجاریه از نظر شکل ظاهری و نقش‌مایه‌های به‌کاررفته در آن‌ها انجام نشده است. در این راستا این پژوهش به‌دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر خواهد بود: ۱. سنگ‌مزارهای دوران ایلخانی تا قاجاریه از نظر شکل ظاهری و نحوه ایستایی در

چند دسته قابل طبقه‌بندی هستند؟ ۲. مفاهیم به‌کاررفته در نقش‌مایه‌ها نشانگر چیست؟ جامعه آماری مورد مطالعه در پژوهش حاضر، تعداد ۲۳ گورستان در استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل، اصفهان، زنجان، شیراز، لرستان، فارس، کرمانشاه، گلستان را در بر می‌گیرد. از نظر شکل، نمونه‌های مطالعه شده را می‌توان به ۳ گروه اصلی طبقه‌بندی کرد؛ همچنین نقش‌مایه‌های به‌کار رفته بر روی برخی از این سنگ‌مزارها، تصاویری اعم از حیوانی، انسانی، گیاهی و نمادین ایجاد شده است؛ که از نظر نمادشناختی برخی از آن‌ها ریشه در فرهنگ ایران پیش از اسلام دارد که نشان از تأثیر فرهنگ‌های ایران پیش از اسلام بر دوران اسلامی است. شباهت سنگ‌مزارها، کتیبه‌ها، مضامین و نقش‌مایه‌های موجود بر سنگ‌مزارها با در نظر گرفتن گستردگی حوزه پراکنش بیان‌گر آن است؛ که سنگ‌مزارهای مورد مطالعه برخواسته از فرهنگ ایرانی - اسلامی و آسیای میانه است و به یک حوزه، مذهب، قوم و دوره سیاسی خاص تعلق نداشته‌اند.

۲ پیشینه تحقیق

نخستین اشاره به سنگ‌مزار و گورستان‌های دوره اسلامی مربوط به متون تاریخی است؛ ازجمله ویلیام جکسن (۱۹ میلادی) در کتاب «سفرنامه جکسن، ایران در گذشته و حال» به تزیینات سنگ قبر سعدی شیرازی اشاره کرده است (جکسن، ۱۳۶۹: ۳۸۴). جیمز موریه (قرن ۱۹ میلادی)، در سفرنامه خود به نقش‌مایه‌های به‌کار رفته در سنگ‌قبرهای دوره اسلامی شهر مراغه اشاره کرده و این نقوش را با حرفه اشخاص متوفی مرتبط دانسته است -291 (Morier, 1888:289)، یاکوب ادوارد پولاک (قرن ۱۹ میلادی) در سفرنامه خود شرحی در باره مراسمات ایرانیان در تشییع جنازه، دفن اموات و گورستان‌ها دارد و به کتیبه قبر ابوعلی سینا اشاره کرده است (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۴۹-۲۵۱). حسن بن فسایی (۱۴ ه. ق) در کتاب «فارسنامه ناصری» اشاره به کتیبه قبر حافظ کرده و آن را خط نسخ دانسته است (فسایی، ۱۳۸۲: ۱۲۰۲)، کتاب «روضات الجنان» نوشته



صندوقی شکل شهر مراغه را مورد مطالعه قرار داده و آن‌ها را عموماً متعلق به قرون میانی و پس از آن دانسته است (محرم‌پور علویانی، ۱۳۸۲). پایان‌نامه «بررسی فرم و نمادپردازی در سنگ‌گورهای لرستان با توجه به پیشینه تاریخی و اساطیری» پژوهشی است؛ که توسط حجت‌الله حسنونند نوشته شده و در آن به مطالعه سنگ‌قبرهای لرستان پرداخته است (حسنوند، ۱۳۸۸). پایان‌نامه «بررسی ساختار و طراحی نشانه‌شناسی نقوش سنگ‌قبرهای دارالسلام شیراز» پژوهشی است؛ با محوریت بررسی آرایه‌های سنگ‌مزارهای قبرستان دارالسلام شیراز که توسط مژگان خلیلی نوشته شده است؛ که عموماً به مطالعه نقوش این سنگ‌قبرها پرداخته است (خلیلی، ۱۳۸۹). مقاله «مزارات بیلانکوه تبریز» که در آن به مطالعه سنگ‌قبرهای گهواره‌ای گورستان بیلانکوه تبریز پرداخته و آن را متعلق به سده ششم هجری به بعد دانسته‌اند (میرجعفری و بزاز دستفروش، ۱۳۹۱). مقاله «معرفی و بررسی باستان‌شناختی نقوش قبرها در گورستان‌های اسلامی بخش مرکزی شهرستان آبدانان استان ایلام» عنوان مقاله است؛ که در آن به مطالعه نقش‌مایه‌های گورستان این منطقه پرداخته و آن‌ها را عموماً متعلق به قرون متأخر اسلامی دانسته‌اند (فیضی و فیضی، ۱۳۹۲). مقاله «بررسی و تحلیل سنگ‌افراشته‌های گورستان خالد نبی» که در آن به ریشه‌شناختی و شباهت این سنگ‌افراشته‌ها با نمونه‌های از سنگ‌قبرهای گورستان نخور ترکمنستان و پینه‌شلوار تبریز پرداخته و قدمت سنگ‌افراشته‌های این گورستان را متعلق به دوره آق‌قویونلو تخمین زده است (سعیدی رامیانی، ۱۳۹۴)، مقاله «شناخت و بررسی مضامین و نقوش تزئینی سنگ‌قبور شهرستان دره‌شهر در استان ایلام» که نویسندگان در این مقاله به مطالعه و بررسی آرایه‌های سنگ‌مزارهای ۶ گورستان دوره اسلامی ایلام پرداخته‌اند (شریفی‌نیا، ۱۳۹۵). مقاله «پژوهشی بر شناخت مضامین و نقوش سنگ‌قبور ایل گوران در شهرستان اسلام‌آباد غرب» به مطالعه و بررسی گورستان‌های این منطقه پرداخته و آن‌ها را

کربلایی تبریزی است. در این منبع به مزارات برخی از شعرای نامی ایران زمین از جمله فاریابی، اسدی توسی، قطران و همام شیرازی در گورستان‌های تبریز اشاره کرده است (کربلایی تبریزی، ۱۳۴۴: ۴۹۷). ریچارد دز در دوره پهلوی اول به ایران مسافرت کرد و در سفرنامه خود از وضعیت نامناسب گورستان‌ها مطالبی نوشته است (ریچاردز، ۱۳۷۹: ۲۸۵)، محمدعلی حبیب آبادی در کتاب «مکارم الآثار در احوال رجال دوره قاجار» به قبور تخت پولاد اشاره کرده است (حبیب‌آبادی، ۱۳۶۴/۶: ۲۰۸۲).

باستان‌شناسی خارجی ضمن مطالعه آثار تاریخی، در برخی مناطق پژوهش‌های در رابطه با سنگ‌مزارها داشته‌اند؛ ولفرام کلایس در بررسی‌های باستان‌شناختی منطقه شمال‌غرب ایران ضمن بررسی آثار این منطقه، به مطالعه سنگ‌مزارهای دوره اسلامی نیز پرداخته است (Kleiss, 1969)، دیوید استروناخ به مطالعه و بررسی سنگ‌قبرهای گورستان خالد نبی پرداخت و با سنگ‌افراشته‌های دوره اسلامی آناتولی شبیه دانست (Stronach, 1981: 149). مورتسن در مقاله‌ای با عنوان «سنگ‌مزارهای لرستان» به مطالعه نقش‌مایه‌های گورستان پشتکوه لرستان پرداخت و تصاویری از سنگ‌مزارهای آن ثبت کرده است (Mortensen, 1996: 222). لوئی واندنبرگ در کتاب «باستان‌شناسی ایران باستان» به سنگ‌قبرهای قوچی شکل موجود بر روی محوطه گوی تپه اشاره کرده و آن‌ها را متعلق به پیش‌از اسلام دانسته است (واندنبرگ، ۱۳۴۸: ۱۱۷-۱۱۶).

در چند دهه اخیر نیز محققان ایرانی مطالعاتی در این باره دست‌یازیده‌اند از جمله: هوشنگ پورکریم (۱۳۴۲)، در مقاله‌ای با عنوان «سنگ‌مزارهای ایران» عموماً به مطالعه نقش‌مایه‌های سنگ‌مزارهای از نوع خوابیده ساده در برخی از روستاهای قم، کاشان، قزوین، طالقان و کاشان پرداخت. پایان‌نامه «بررسی و مطالعه سنگ‌مزارات مراغه در دوره اسلامی» توسط مهرداد محرم‌پور علویانی است؛ که در آن مزارات نوع گهواره‌ای و



منطقه و کشوری متأثر از معماری و فرهنگ آن منطقه و کشور است (زاهد، ۱۳۹۴: ۴). باتوجه به تعاریف ارائه شده، سنگ‌مزارها در باورهای جوامع انسانی جایگاه خاصی داشته و متأثر از جهان‌بینی انسان‌های هر منطقه است. سنگ‌مزارهای دوره اسلامی از تنوع آرایه‌های تزئینی و فرم ظاهری برخوردار است و مجموعه بسیار خوبی برای مطالعات باستان‌شناسی، تاریخ، فرهنگ، هنر، سیاست مناطق مختلف بوده و کلیات از موقعیت اجتماعی، اعتقادات و باورهای مردم هر منطقه در اختیار پژوهشگران امروزی قرار گرفته است.

۵ گونه‌شناسی و طبقه‌بندی شکل‌ظاهری سنگ‌مزارهای دوران ایلخانی تا قاجاریه

براساس مطالعات و بررسی‌های انجام شده در مناطق مختلف ایران گورستان‌های زیادی با تنوع سنگ‌مزار شناسایی و معرفی شده است. در مطالعات سنگ‌مزارها تاکنون استاندارد خاصی جهت طبقه‌بندی آن‌ها ارائه نشده است (Yildirim, 2016: 97). برهمین اساس در این پژوهش نگارندگان در حالت کلی سنگ‌مزارها را براساس نحوه ایستایی به ۳ دسته به شرح زیر تقسیم‌بندی کرده‌اند: ۱- سنگ‌مزارهای افقی ۲- سنگ‌مزارهای عمودی ۳- سنگ‌مزارهای ترکیبی که به‌صورت افقی و عمودی بر روی گور قرار گرفته‌اند؛ همچنین این سنگ‌مزارها را از نظر شکل ظاهری (فرم) نیز می‌توان به گونه‌های مختلف دسته‌بندی کرد (شکل ۱).

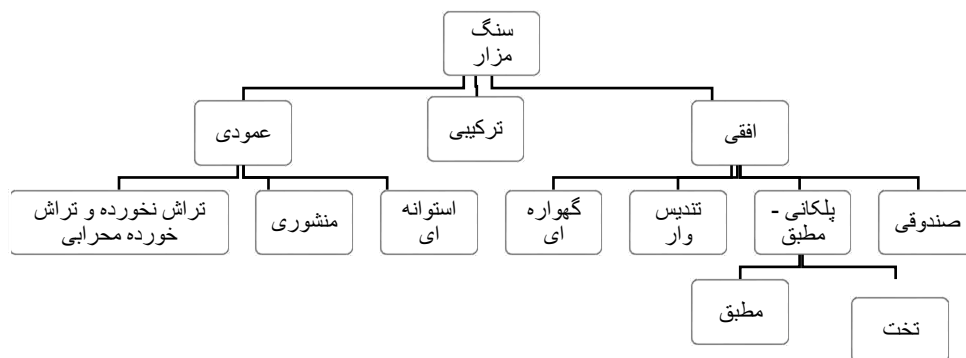
عموماً متعلق به سده دوازده تا چهارده هجری در نظر گرفته‌اند (احمدزاده و همکاران، ۱۳۹۷) و پژوهش‌های مشابه دیگر اشاره کرد. با این حال این پژوهش برای نخستین بار به طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سنگ‌مزارهای دوران ایلخانی تا قاجاریه تعدادی از گورستان‌های ایران پرداخته است و طبقه‌بندی جامع از این آثار ارائه می‌دهد.

۳ روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی تدوین یافته و گردآوری اطلاعات با مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی شکل گرفته است. در این پژوهش ابتدا منابع مورد نظر پیرامون تحقیق جمع‌آوری گردیده و سپس براساس اطلاعات بدست آمده به طبقه‌بندی، گونه‌شناسی و تحلیل آرایه‌های به‌کاررفته در سنگ‌قبرهای دوران اسلامی پرداخته شده است.

۴ سنگ‌مزار

یکی از کارکردهای مهم سنگ در گذشته، عملکرد آیینی آن در حکم نگهبانان مزار (یونگ، ۱۳۵۲: ۳۷۰) و نمایانگر روح اجداد است (Berkli, 2012: 34)؛ بنابراین سنگ‌مزار یکی از اجزای مراسم تدفین و به‌عنوان ابزاری که بیان‌کننده هویت، تاریخ درگذشت شخص متوفی محسوب می‌شود (Arsalan, 2017: 1924؛ Furtun, 2014: 772)؛ و در عین حال نشانگر وضعیت تاریخی، ادبی، هنری و فرهنگی مناطق بوده (Karkas, 2012: 11) و جایگاه ویژه‌ای برای انتقال بسیاری از مفاهیم فرهنگ عامه را داراست. مفاهیمی که برگرفته از عمیق‌ترین تفکرات مذهبی و فرهنگی رایج در جامعه هستند و در قلب نشانه (نمایه، شمایل، نماد) بر روی سنگ تصویر شده‌اند (کاظمی، ۱۳۹۵: ۴). این پدیده در هر



شکل ۱- طبقه بندی سنگ مزارهای دوره اسلامی براساس شکل ظاهری (نگارندگان، ۱۳۹۸)

تراش خورده بوده که تعداد آن‌ها از یک تا چهار متغیر است (کارگر، ۱۳۷۲: ۳۷۰). قدیمی‌ترین نمونه‌های از این سنگ‌قبرها در موزه مردم‌شناسی خرم‌آباد به خط کوفی باقی‌مانده که مربوط به خاندان برسقی به سال ۵۵۰ هجری است (غضنفری، ۱۳۹۲: ۴۸) با این حال این نوع سنگ‌مزارها عموماً بازه زمانی سده ۶ تا ۱۰ هجری بوده و غالباً متعلق به مقابر عرفا، شعرا و شخصیت‌های مذهبی جامعه است.

ج) **سنگ‌مزارهای گهواره‌ای:** این سنگ‌مزارها متشکل از دو قسمت بدنه و برجستگی فوقانی است. قسمت پایه، بخش اصلی سنگ قبر را تشکیل می‌دهد؛ که بیشترین تزیینات بر روی آن ایجاد می‌شود. قسمت برجسته، به صورت پیوسته و متصل به بدنه تراشیده می‌شود. این گونه سنگ‌مزار از نظر شکل پایه، بخش فوقانی و نحوه ترکیب‌بندی آن‌ها تفاوت‌های نسبت به همدیگر دارند که برهمین اساس آن‌ها را به دسته‌های زیر می‌توان تقسیم‌بندی نمود: سنگ‌مزارهای گهواره‌ای تخت که در این گروه اندازه برجستگی فوقانی همسان یا بیشتر از ارتفاع پایه است. گروه دوم سنگ‌مزارهای نوع گهواره‌ای صندوقی است؛ که در این گروه، ارتفاع برجستگی فوقانی کمتر از پایه در نظر گرفته می‌شود. گروه سوم سنگ‌مزارهای مطبق هستند (موسوی‌کوهپر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۶-۱۳۷). سنگ‌مزارهای گهواره‌ای تخت خود نیز به گونه‌های زیر قابل تقسیم‌بندی

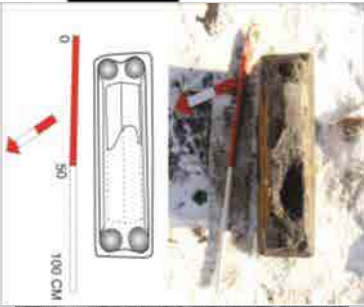
۱- **سنگ‌مزارهای افقی:** این سنگ‌قبرها به صورت خوابیده بر روی گور قرار گرفته و طول سنگ به طور متوسط طول گور را پوشانده است. این فرم از رایج‌ترین نوع سنگ‌مزارهای دوره اسلامی می‌باشد. این نوع سنگ‌مزارها از نظر نحوه تراش دارای اشکال مختلفی بوده و هریک از آن براساس شکل ظاهری و ایستایی گونه‌های متنوع دارد که عبارت است از: الف) **سنگ‌مزارهای صندوقی:** سنگ‌مزاری به شکل مکعب مستطیل که دارای اندازه‌های متفاوت بوده و از تخته سنگ یکپارچه تراشیده شده‌اند. این سنگ‌مزارها از لحاظ حجاری به دو نوع ساده و منقوش تقسیم می‌شوند (کارگر، ۱۳۷۲: ۳۵۹) و از نمونه‌های از آن در دوره ایلخانی در گورستان اونا مشکین‌شهر (پروین، ۱۳۹۵)، گورستان ورجوی مراغه از دوره تیموری و شهیدگاه اردبیل از دوره صفوی باقی‌مانده است. ب) **سنگ‌مزارهای پلکانی یا مطبق:** دومین نوع از سنگ‌مزارها که شکل پلکان داشته و از این منظر به آن سنگ‌مزارهای پلکانی گفته می‌شود. در مناطق لرستان بیشتر با نام‌واژه «بردمکی» شناخته شده‌اند (فرزین، ۱۳۸۴: ۳۳). این نوع سنگ‌قبر از لحاظ جنس، نقش و خطوط شبیه به نوع صندوقی بوده و تنها از لحاظ فرم متفاوت است؛ سنگ‌مزارهای پلکانی دارای فرم یکسان نبوده و تعداد پلکان‌های آن‌ها متغیر است (افقهی، ۱۳۸۷: ۹۷). بعضی از این سنگ‌مزارها در سطح رویی خود دارای ستون‌های کوچک



دسته از سنگ‌مزارها حالتی کشیده دارند و قسمت پایه و برجستگی فوقانی آن‌ها به صورت پیوسته تراشیده شده‌اند (موسوی‌کوهپیر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۱). سنگ‌مزارهای گهواره‌ای تخت ساده که نمونه‌های از آن در منطقه خلخال شناسایی شده است (جدول ۱).

است: سنگ‌مزارهای گهواره‌ای تخت با زائده‌ای بر روی قسمت برجستگی فوقانی که در این گروه زائده‌ای مضاعف و با عرض کم به صورت طولی و برجستگی فوقانی ایجاد شده که نمونه‌ای از آن در قبرستان اونار مشکین‌شهر باقی‌مانده است (پروین، ۱۳۹۵: ۴۵). سنگ‌مزارهای گهواره‌ای پیوسته: این

جدول ۱- نمونه‌ای از سنگ‌مزارهای افقی (نگارندگان، ۱۳۹۸).

منبع	قدمت	شکل ظاهری	نمونه	قبرستان
(مینوسپر، ۱۳۹۲: ۵۶)	قاجاریه	ساده از نوع افقی خوابیده		کوی گاله فارس
(افقی، ۱۳۸۷: ۳۵۷)	صفویه	صندوقی		تخت فولاد
(پروین، ۱۳۹۵: ۹۳)	ایلخانی	مطبق/پلکانی		اونار مشکین‌شهر
(موسوی کوهپیر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۷)	احتمالاً تیموری یا صفوی	گهواره‌ای تخت		امیرآباد اردبیل

سنگ‌مزارها در آسیای میانه (Arslan, 2017)، جمهوری آذربایجان (Ağasıoğlu, 2013) ترکیه (Berkli, 2012) باقی‌مانده است. تندیس‌های

د) سنگ‌مزارهای تندیس‌وار: این‌گونه سنگ‌افراشته‌های عمودی به صورت تندیس انسانی، شیر، قوچ و اسب ایجاد شده‌اند، نمونه قدیمی از این

(Stronach,1981) باقی مانده است. این سنگ قبرها عموماً پس از دوره ایلخانی و به خصوص دوره تیموری شکل گرفته اند. سنگ قبرهای افراشته گورستان اونا ر مشکین شهر از نظر فرم ظاهری با نمونه های سنگ قبرهای ترکیه قابل مقایسه بوده (Arsalan,2017:1931) که کلا یس نیز ضمن بازدید از این سنگ مزارها به چنین شباهتی بین آنها اشاره کرده است (Kleiss,1969:81). آنچه در باره این نقش برجسته ها می توان گفت این است؛ که آنها ریشه در فرهنگ هنر بومی دارد (کارگر، ۱۳۷۲: ۳۸۸) که نشان می دهد مردم آذربایجان قبل از اسلام بر روی مزار مرده هایشان پیکره ای از انسان قرار می داده اند (افندی اف، ۱۳۹۲: ۲۴) و در دوره اسلامی با تغییرات جزئی ادامه پیدا کرده است (Berkli,2012:28) (جدول ۲).

انسان نما بیانگر تصویری از شخص متوفی بوده که در بین اقوام ترک زبان با اسامی همچون «دش بابا» و «دش ننه» شناخته شده است (Arsalan,2017:1926). تندیس انسانی به نظر می رسد به دلیل نفی اسلام در باب صورتگری به ندرت تراشیده شده؛ با این حال به صورت یک آرکی تایپ تا دوره اسلامی ادامه پیدا کرده است (Berkli,2012:28؛ Demirel,2008:4). در دوره اسلامی سنگ قبرها عموماً به صورت یک مجسمه انسانی که گردن و فرم سر نسبت به جزییات دست و پاها واضح تراشیده شده اند (Baykara,1993:128). در ایران نیز نمونه های از این تندیس ها در قبرستان نیار استان اردبیل (کارگر، ۱۳۷۲: ۳۸۸)، مراد تپه (افقه ی، ۱۳۸۷: ۹۴)، اونا ر مشکین شهر (Kleiss,1969:84) و خالد نبی

جدول ۲- نمونه ای از سنگ مزارهای تندیس انسانی (نگارندگان، ۱۳۹۸).

قبرستان	نمونه	قدمت	منبع
ارزنجان ترکیه		عثمانی	(Berkli,2012:37).
اونا ر		۷۰۱ ه. ق.	(نگارندگان، ۱۳۹۸)
خالد نبی		۶ الی ۸ هجری قمری	(پروین، ۱۳۹۵: ۳۹)



آذربایجان به عنوان نمادی از بهره‌وری، فراوانی، قدرت، شجاعت و جنگاوری شناخته شده است (Alyilmaz & Alyilmaz, 2017:305). مردم منطقه آذربایجان نسبت به پیکره‌های سنگی احترام زیادی قائل بوده‌اند به طوری که زنان به منظور باردار شدن به پای گوسفندان می‌افتادند و این سنگ‌مزارها از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می‌کرد (Efaniof, 1986:14). واندنبرگ گاهنگاری سنگ‌مزارهای قوچی را به اشتباه مربوط به قبل از اسلام دانسته است (واندنبرگ، ۱۳۴۸: ۱۱۷) که براساس پژوهش‌های انجام شده این سنگ‌مزارها عمدتاً مربوط به سده ۱۰ هجری است (کارگر، ۱۳۷۲: ۳۸۵).

تندیس اسب نیز همانند قوچ در برخی مناطق آذربایجان باقی مانده است. تندیس اسب نسبت به تندیس شیر و قوچ بسیار نادر بوده و تنها نمونه‌های از آن در روستای سرخه دیزج ورزقان باقی مانده که قابل مقایسه با نمونه‌های از جمهوری آذربایجان است (Ağasioğlu, 2013: 31). اسب در هنر تدفینی نماد مرگ بود و روان متوفی را با خود می‌برد (هال، ۱۳۸۰: ۲۴) و در جوامع باستانی با عنوان بهترین پیشکش افتخارآمیز بوده است (وارنر، ۱۳۸۶: ۵۱۸) به طوری که در کاوش‌های برخی از گورهای محوطه خرم‌آباد مشکین‌شهر نمونه‌های از تدفین اسب کشف شد (رضالو و آیراملو، ۱۳۹۳: ۱۱۵)، به طوری کلی این حیوان، پیش از اسلام و در اساطیر، متون کهن دینی، شاهنامه و فرهنگ بومی منطقه، نقشی بسیار ارزشمند و مورد ستایش داشته است. به غیر از استفاده رایج آن، مانند حمل و نقل و شکار، کارکردهای آیینی، اقتصادی، رزمی، بزمی، تزیینی و تشریفاتی نیز داشته است (احمدزاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۷) (جدول ۳).

یکی دیگر از سنگ‌مزارهای ایجاد شده، متعلق به پیکره شیر است. تندیس سنگ‌مزار شیر بیشتر در مناطق فارس، چهارمحال بختیاری، اصفهان، خوزستان، آذربایجان، لرستان و کردستان قابل مشاهده است (افقهی، ۱۳۸۷: ۹۲). نقش شیر به عنوان یک نماد جایگاه مهمی در تزیینات هنر ایران قبل از اسلام و دوره اسلامی را به خود اختصاص داده است. در دوره اسلامی خصوصاً اواخر دوره سلجوقی به بعد با مفهوم مذهبی نماد حضرت علی (ع) ارتباط معنایی پیدا کرده و به نظر می‌رسد کاربرد شیرهای سنگی در امامزاده‌ها و یا بر روی سنگ‌مزارها از همین اعتقاد ناشی می‌شده است، به طوری که بر شانه راست این شیرهای سنگی، خورشید (نماد پیامبر) و در سمت چپ آن‌ها، شمشیر قرار دارد (خزایی، ۱۳۸۱: ۵۵)؛ و به تدریج از دوره صفوی بر روی سنگ‌گورها نیز تندیس شیر عمومیت پیدا کرده است (تناولی، ۱۳۵۴: ۴۵). نماد شیر در بین ایل بختیاری بیانگر شجاعت بوده و این امر در قرار دادن آن بر روی گور بزرگان و ایل مردان نمود پیدا کرده که دلالت معنایی با القاب حضرت علی می‌تواند داشته باشد. شیر در فولکلور مردم بختیاری نیز رسوخ نموده و اشعاری در وصف شیر و احوالات آن قابل ردیابی است (مددی، ۱۳۸۶: ۷۶). هانری رنه دالمانی در اواخر قاجار به منطقه چهارمحال بختیاری سفر کرده بود، شیرهای سنگی گورستان‌های این منطقه را به عنوان نشانه دلآوری متوفی دانسته است (رنه دالمانی، ۱۳۸۷: ۷۱۵).

تندیس قوچ - گوسفند به عنوان یک ویژگی از فرهنگ ترکی آسیای میانه شناخته شده (Berkli, 2007:220) که در مناطقی از مغولستان، قزاقستان، آذربایجان، ایران و ترکیه بر روی قبور قابل مشاهده است (Aksoy, 2017:36). نقش قوچ همواره مورد احترام پیشینیان بوده و در منطقه

جدول ۳- سنگ‌مزارهای حیوانی شکل (نگارندگان، ۱۳۹۸).

ردیف	گورستان	تصویر	قدمت	منبع
۱	لرستان		-	(غضنفری، ۱۳۹۲: ۵۱)
۲	گورستان سُرخه دیزج ورزقان		تیموری یا صفوی	نگارندگان
۳	سعید آباد زنجان		صفوی	نگارندگان

سنگ‌افراشته‌های دوره اسلامی از نظر فرم در سه گروه قابل تقسیم‌بندی است: الف) افراشته استوانه‌ای شکل: این سنگ‌افراشته‌ها به صورت خوش‌تراش بوده و سطحی صاف دارند، بر روی برخی از این سنگ‌ها کتیبه ایجاد شده و قسمت فوقانی آن نیز گاهی به صورت عمامه با دوازده ترک است؛ که نمونه‌های از آن در گورستان اونار مشکین‌شهر به تاریخ ۸۸۱ هجری (پروین، ۱۳۹۵: ۷۰) و در لرستان که بیشتر با نام بردگو شناخته می‌شود (فرزین، ۱۳۸۴: ۹۸) باقی‌مانده است.

ب) افراشته تراش‌نخورده و تراش‌خورده محرابی: این قبیل سنگ‌افراشته‌ها به صورت تخته‌سنگ‌های در ابعاد مختلف در جهات غرب و شرق و گاهی دو طرف گور قرار داده می‌شود. بر روی این سنگ‌ها آرایه‌های متنوع ایجاد شده و در مناطق ترک‌نشین به این سنگ‌ها اصطلاح «باش‌داشی» به معنای سنگ‌سر به کار می‌رود و در مناطق سنی مذهب عمدتاً دو طرف گور دو قطعه سنگ در ارتفاع متوسط ۵۰-۱۰۰ سانتی‌متر قرار داده می‌شود. در این

۲- سنگ‌مزارهای عمودی: این نوع سنگ‌قبرها به صورت عمودی و عمدتاً در قسمت سر متوفی یا هر دو طرف که عمدتاً در مناطق سنی مذهب رواج دارد، قرار داده شده است. این سنگ‌مزارها از ارتفاع متنوع برخوردار بوده و ابعاد آن‌ها نیز متغییر است. این‌گونه سنگ‌مزارها از نظر شکل ظاهری همانند سنگ‌مزارهای افقی متنوع بوده است که عبارت‌اند از: ۱) سنگ‌مزارهای افراشته: این سنگ‌مزارها را گاهی «میل» (فرزین، ۱۳۸۴: ۹۲) و «کیل» (کرمی، ۱۳۹۲: ۶۸) می‌نامند؛ از جمله میل خسروآباد و میل گورستان ابوالوفا در کوه‌دشت لرستان (فرزین، ۱۳۸۴: ۹۲-۹۶) و کیل‌های گورستان برزه کرمانشاه (کرمی، ۱۳۹۲: ۶۸) اشاره کرد. پیشینه قرار دادن سنگ‌افراشته در کنار گور در منطقه شمال‌غرب ایران به عصر مفرغ جدید و آهن I و در کاوش‌های محوطه تُل چگا سفلی به هزاره پنجم پیش از میلاد برمی‌گردد (مقدم، ۱۳۹۸: ۴۶۸-۴۶۳). سنگ‌افراشته‌های دوره اسلامی منطقه لرستان چهار وجهی هرمی شکل بوده و هر وجه دارای نقوش متنوع می‌باشد (غضنفری، ۱۳۹۲: ۴۹).



مطبق در روستای سوساوا (سوسه‌هاب) شهرستان خلخال که به شکل سه طبقه ساخته شده است (موسوی کوهپر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۳). این قبیل سنگ‌مزارها عمدتاً فاقد هرگونه نوشتار بوده و بیشتر در قسمت غربی گور قرار می‌گیرد. این نوع گورها به صورت تل خاکی قابل مشاهده بوده و دورچین سنگی دارد (جدول ۴).

سنگ‌مزارها مشخصات شخص متوفی که عمدتاً شامل نام شخص به همراه نام پدر، تاریخ فوت به هجری نگاشته شده است. در این دسته، سنگ‌مزارهای محرابی را نیز می‌توان قرار داد. (ج) منشوری و مطابق این سنگ‌مزارها همانند نمونه‌های استوانه‌ای بوده و تنها در فرم ظاهری تفاوت‌های دارد. این سنگ‌مزارها مزین به کتیبه و آرایه‌های تزیینی است. نمونه‌های از این سنگ‌افراشته‌های

جدول ۴- سنگ‌مزارهای عمودی (نگارندگان، ۱۳۹۸)

گورستان	تصویر	نقش‌مایه	قدمت	منبع
سرخ‌دم لرستان		تزیینات حیوانی و گیاهی	احتمالاً صفوی	(غضنفری، ۱۳۹۲: ۴۹)
سوسه‌هاب شهرستان خلخال		ندارد	نامشخص	(موسوی کوهپر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۴)
کبود لرستان		اسب‌وار، گیاهی و هندسی	احتمالاً قاجار	(Mortensen, 1996: 222)

هویت شخص متوفی را نشان می‌دهد. این گونه از سنگ‌مزارها متداول‌ترین گونه از سنگ‌مزارهای گورستان‌های تاریخی ایران از جمله گورستان ورزقان، شاداب بختیاری، سنگ‌مزارهای گورستان چلان مراغه، گورستان کیوج شهرستان مهربان، گورستان عاشقان کرمانشاه، دره‌شهر و غیره است (شکل ۲).

۳- سنگ‌مزارهای ترکیبی: این دسته از سنگ‌مزارها به صورت عمودی و افقی است. در این دسته یک سنگ‌مزار مزین به آیات قرآنی، اشعار و نقش‌مایه‌های تزیینی به صورت افقی بر روی گور قرار گرفته و سنگ‌مزار دیگر در سمت سر متوفی به صورت عمودی و ایستاده قرار گرفته است. سنگ‌مزار عمودی عمدتاً شامل کتیبه‌های است؛ که

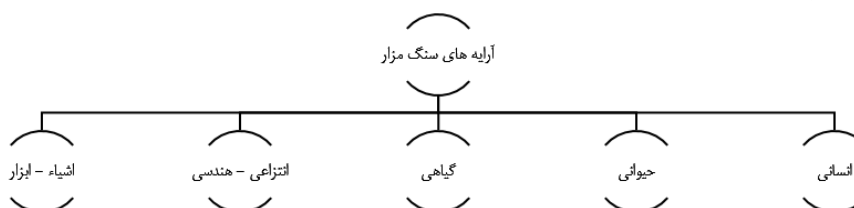


شکل ۲- نمونه‌ای سنگ مزار ترکیبی گورستان قلعه شاداب بختیاری (کاظمی، ۱۳۹۵: ۷۷)

۶ گونه‌شناسی عناصر تزینی سنگ‌قبرهای دوران ایلخانی تا قاجاریه

سنگ‌مزارها را جدا از شکل ظاهری و نحوه قرارگیری می‌توان از منظر نگاره‌ها و آرایه‌های به‌کاررفته بر روی گورها می‌توان در گونه‌های زیر دسته‌بندی نمود: الف) انسانی، ب) حیوانی، ج) گیاهی، د) انتزاعی - هندسی، ه) اشیاء و ابزار (شکل ۴). هرکدام از آرایه‌های به‌کار رفته در مناطق مختلف از نظر نحوه ایجاد نقش و شکل ظاهری متنوع بوده و تفاوت‌های محسوسی در جزییات آن‌ها قابل مشاهده است؛ که به‌نظر می‌رسد این تفاوت ایجاد شده بیشتر ملهم از جهان‌بینی هنرمندان طراح آرایه‌های سنگ‌قبرهاست. شکل‌گیری نگاره بر روی سنگ‌مزارها با کتیبه، زیورآلات، هنر، زبان و ادبیات و دغدغه‌زیبایی‌شناختی است (Ertan, 2010: 109)؛ که با جهان‌بینی دین اسلام در رابطه با سنت‌های

تدفین ارتباط تنگاتنگی دارد؛ آنچه را که تا قبل از اسلام به نشانه موقعیت اجتماعی، فردی و اعتقادی اشخاص متوفی در داخل گور قرار می‌داده‌اند، در دوره اسلامی منع گردیده و به‌دلیل کمرنگ شدن چنین اعتقاداتی بر روی گور ایجاد شد در نتیجه تصاویر نمادین از رفتارها، باورها و به‌عنوان انعکاس جامعه‌شناختی از شیوه زندگی (Berkli, 2012: 39) و اعتقادی افراد که در زمان حیات داشته‌اند، شکل گرفت (افقهی، ۱۳۸۷: ۱۰۷). این تصاویر در حالت کلی با اعتقادات جاودانگی روح ارتباط دارد و بدون شک این تصاویر متأثر عقاید مذهبی، روایات و باورها قرار گرفته است (فقیه میرزایی، ۱۳۸۴: ۲۲۵)؛ همچنین ریشه بسیاری از این نقش‌مایه‌ها به سنت‌های پیش از اسلام ایران برمی‌گردد؛ از جمله نقش‌مایه شیر، بز، آهو، شمس، چلیپا، دایره، نقوش گیاهی و غیره که بر روی ظروف سفالی، فلزی و حتی سنگ‌نگاره‌های مناطق مختلف ایران قابل مشاهده است.



شکل ۴- آرایه‌های سنگ‌مزارهای دوران اسلامی ایران (نگارنده؛ ۱۳۹۸).



۶،۱ نقش‌مایه انسانی

در اوایل اسلام به دلیل ممنوعیت تصویر انسانی، به‌ندرت شاهد ایجاد نقش بر روی قبور هستیم و عمدتاً تندیس‌های انسانی ایجاد شده نیز فاقد چهره بوده‌اند (Baykara, 1993: 128). به نظر می‌رسد ایجاد تصویر انسانی بر روی قبور بیشتر به دوره متأخر اسلامی به خصوص قاجاریه تعلق دارد. تصویر انسان بر روی سنگ‌مزارها در حالت‌های مختلف از قبیل سوار بر اسب، شکار، چوپانی، پیشه‌گری و غیره دیده می‌شود. هنرمند ایرانی بسیاری از نقش‌مایه‌های آثار تجسمی خود را در گنجینه نقوش قبل از اسلام یافت و بار دیگر آن‌را احیا کرد (وایه، ۱۳۶۳: ۲۹). نکته جالب در ایجاد نقوش انسانی، عدم به تصویر کشیدن نقش زنان بوده که با اعتقادات جامعه پیرامون حجاب و محرمیت همراه است. در برخی از نقوش سنگ‌مزارها، تصاویری از انسان‌های بالدار و با هاله‌ای به دور سر که به صورت جفت دیده می‌شود که به نظر تصویر فرشتگان در پهلوی راست و چپ آدمی بوده و بیانگر دنیای ماوراء الطبیعه و مظهر روح افراد متوفی است. نمونه‌های از تصویر انسانی بر روی برخی از سنگ‌مزارهای گورستان پشتکوه لرستان، اوناار مشکین‌شهر، سرپل زهاب، گورستان روستای آس کلیبر و غیره باقی‌مانده است.

۶،۲ نقش‌مایه حیوانی

در آثار برجای‌مانده از دوره‌های مختلف تاریخی - فرهنگی ایران، همواره آثاری را می‌توان یافت که در آن‌ها صحنه‌هایی از حیوانات قابل مشاهده است. این نقوش حیوانی دارای مضامین و معانی مختلفی برای مردمان روزگار بوده‌اند و تاحدی نشانه هم‌ذات پنداری با انسان‌ها هستند و تصاویر از طبیعت پیچیده او را نشان می‌دهند (شوالیه و گربران، ۱۳۸۴: ۴۱). نگاره حیوانات از جمله نقوشی است که بر روی سنگ‌مزارها دیده می‌شود، این نقوش در سنگ‌مزارهای مناطق مختلف، از تنوع زیادی برخوردار بوده و در حالت کلی می‌توان آن‌ها را در سه دسته کلی تقسیم کرد: ۱- چهارپایان ۲. آبزیان ۳. پرندگان.

نگاره جانوران عمدتاً شامل حیواناتی است؛ که ارتباط نزدیکی با جوامع انسان هر منطقه دارد؛ از جمله نقش‌مایه حیوان اسب، بز کوهی، آهو، گوسفند، سگ شکاری، بز، طاووس، بلبل و غیره به صورت نمادین ایجاد شده است؛ به عنوان مثال حضور نگاره پرنده به معنای نماد گسترده روح به‌ویژه در هنگامی که پس از مرگ به آسمان صعود می‌کند؛ در نهایت دلالت بر روح متوفی دارد (هال، ۱۳۸۰: ۳۹). اقوام ترک‌زبان روی سنگ‌قبرهایشان تصاویری از پرندگان را منقوش کرده و آن حکاکی‌ها را توتّم می‌دانسته‌اند و معتقد بوده‌اند که نسل ایشان توسط آن پرنده یا به‌طور کلی توسط حیوانات نجات یافته است (افندی‌اف، ۱۳۹۲: ۳۴-۳۵). در مذهب ترکی باستان شمنیسم، اعتقاد بر این بود که روح پس از مرگ به صورت پرنده‌ای به پرواز درآمده است (Yildirim, 2016: 97). نقش بز با شاخ‌های خم شده مفهوم اسطوره‌ای داشته و با اعتقادات جوامع انسانی در ارتباط است. این نقش پیشینه چندین هزار ساله داشته و بسیاری از پژوهشگران به دلیل شباهت فرم شاخ‌های بز به هلال ماه آن‌را نمادی از ماه و بعضاً خورشید در نظر گرفته‌اند (صمدی، ۱۳۷۴: ۱۹-۲۱). هنرمندان اسلامی معمولاً استفاده از آهو را کنایه از گذر سریع عمر انسان (فضلی، ۱۳۸۷: ۳۱۲) و نمادی از فرار روح از شهوت مادی است (میت‌فورد، ۱۳۸۸: ۶۷). به‌طور کلی نقش‌مایه هر حیوان نماد و مفهوم خاصی داشته است.

۶،۳ نقش‌مایه گیاهی

نقش‌مایه‌های گیاهی بیشترین نقوش را در میان نگاره‌های هنری تمدن‌های بشری به‌خصوص هنر اسلامی به‌خود اختصاص داده‌اند. نمادین بودن این نقوش بی‌تردید یکی از پیچیده‌ترین و متنوع‌ترین نمادگرایی‌های بشری را شامل می‌شود. درخت زندگی بیان‌کننده تدام حیات بعد از مرگ است (Aktemur, 2017: 243). در هنر ایران دوره اسلامی، گیاه علاوه بر داشتن اهمیت اقتصادی، نقشی مناسب برای بیان جهان‌بینی اسلامی در چارچوب هنرهای تجسمی را داراست. گیاه رمزی است از



نقوش چند ضلعی‌های بافته شده در هم را بیان عارفانه جمال متعال دانسته‌اند که روح را به تأمل موجود و جذبه می‌خواند (مهرداد، ۱۹۳: ۱۷۳). هر کدام از نمادها و اعداد مفاهیم و نمادهای خاصی دارند؛ به‌طور مثال نشان دایره یا چرخ‌فلک که به‌عنوان نماد گذر جهان موقت به جهان واقعی است (Aktemur, 2017: 239) که به‌طور وسیع بر روی سنگ‌مزارها ایجاد شده‌اند. نقوش هندسی با ترکیبی از اسلیمی‌ها و جملات آسمانی کتیبه‌ها، ارزش و تعالی خود را هر چه تمام‌تر، جلوه‌گر می‌شوند. قرارگیری چندضلعی، مربع و مثلث در چرخشی دایره‌وار حول یک محور، رقصی سماع‌گونه را می‌آفریند که هر جزء در کنار باقی اجزاء وجود می‌یابد و بدون دیگری نقصی عظیم را در خود جای داده که با یکی شدن، کل واحدی را انسجام بخشیده‌اند (آزادبخت، ۱۳۸۹: ۹۳) نمونه‌ای از ترکیب کتیبه در قالب هندسه را در برخی از سنگ‌مزارهای شهیدگاه اردبیل می‌توان مشاهده کرد (دانیالی، ۱۳۹۵: ۱۰۳-۱۰۲).

۶/۵ نقش‌مایه اشیاء و ابزارآلات

در سنت‌های تدفینی ایران قبل از اسلام، در داخل قبور اشیای متناسب با پایگاه اجتماعی افراد متوفی قرار داده می‌شد. با ورود اسلام تغییراتی در سنت‌های تدفینی صورت گرفت که براساس آن هرگونه قرار دادن اشیاء در داخل گور قدغن گردید، بنابراین جهت نشان دادن حرفه و جایگاه اجتماعی افراد متوفی در داخل گور، نقش‌مایه‌های ایجاد شد که جنبه اطلاع‌رسانی داشته و نشانگر حالات معنوی و یا شغل متوفی بوده است؛ مانند شمشیر که نماد روح و کلام خدا دانسته‌اند و به‌طور خاص در سده‌های میانی متداول بوده است. در عین حال شمشیر می‌تواند بیانگر پایگاه اجتماعی فرد متوفی دانست. مهر و تسبیح اشیایی است که مؤمن، برای انجام مراسم و شعائر مذهبی به‌کار می‌برده؛ قوری بیانگر قهوه‌چی، کباده در مفهوم پهلوان، خیاط در مفهوم حرفه است. برخی از این نقوش علاوه بر اینکه بیانگر حرفه افراد متوفی است جنبه تشخیص

تعالی و رشد، نمادی از انسان که ریشه در خاک و سر به سوی آسمان داشته (عنایت، ۱۳۸۷: ۳۶) و به زبان اساطیری قداست، زندگانی و بی‌مرگی در مرکز جهان دارد (الیاده، ۱۳۷۶: ۱۱۸). نقش‌مایه‌های گیاهی عموماً در سه نوع نگاره قابل مشاهده است: الف) نقش درختانی چون سرو، کاج و نخل که ریشه آن‌ها به ایران قبل از اسلام برمی‌گردد، ب) اسلیمی و ختایی‌ها، ج) نقوش برخی از گیاهان و گل‌ها که به‌صورت منفرد یا به‌همراه سایر نقش‌مایه‌ها ایجاد شده‌اند.

۶/۴ نقش‌مایه انتزاعی و هندسی

در آغاز اسلام برای مبارزه قطعی با بت‌پرستی، تصویر کردن انسان، حیوان و نیز ساختن پیکره آن‌ها ممنوع شد و هنرمندان هنرهای تجسمی کوشش خود را برای تزیین با نقوش تجریدی و انتزاعی به‌کار گرفتند. اغلب در ایجاد این قبیل از نقوش نوعی تقارن در آن‌ها دیده می‌شود. از نقوش هندسی و مشتقات آن می‌توان به‌عنوان دومین نوع نقوش هنر اسلامی نام برد. طرح‌های هنر اسلامی، گونه‌ای از طرح‌های سنتی ایرانی هستند که در عین دارا بودن زیبایی، ملاحظت و کاربردهای متنوع، از یک سری اصول و قواعد هنری و ریاضیات نیز بهره می‌برند. اصول هندسه در تمامی هنرهای اسلامی اعم از معماری و صنایع دستی نمودار است و با مفاهیم نمادین کیهانی و فلسفی پیوند می‌یابد و یکی از کاربردهای آن، در کنار هم قرار گرفتن و تکرار الگوهای ساده می‌باشد که تا بی‌نهایت قابلیت گسترش دارد (آزادبخت، ۱۳۸۹: ۹۲). قدر مسلم اینکه نقوش هندسی با هماهنگی و احساس وحدت همراه با مضامین معنوی کتیبه‌ها، پیام‌های معنوی و روحانی ارزشمندی را نشان می‌دهند که نه تنها در روح و اندیشه بیننده رسوخ می‌کند، بلکه در کنار یکدیگر ترکیب‌های بی‌نظیری را پدید می‌آورند که به لحاظ زیبایی‌شناختی بسیار حائز اهمیت است (فراست، ۱۳۸۵: ۲۵). نقش‌مایه‌های ایجاد شده بر روی سنگ‌مزارها در فرم‌های اصلی دایره، مربع، مثلث، مستطیل و غیره است که خاورشناسان

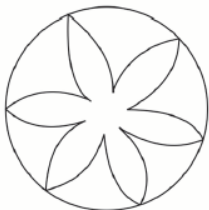
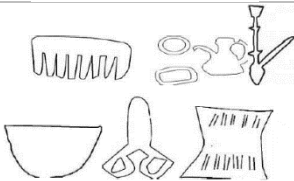
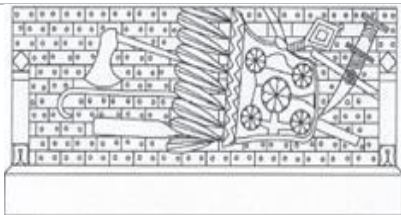


و پایین قبور به زن بودن متوفی اشاره دارد (صفی‌خانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۹). از دیگر نقش‌مایه‌های ایجاد شده بر روی سنگ‌مزارها، می‌توان به تفنگ، سپر، تیر و کمان، کالسکه، شمعدان، قفل، قیچی، کشکول، زیورآلات، ترازو و غیره اشاره کرد (جدول ۵).

جنسیت فرد متوفی محسوب می‌گردد، مانند شانه یک پهلوی روی سنگ‌مزار متوفی مرد حک شده و شانه دو پهلوی بر روی سنگ‌مزار زنان ایجاد گردیده است یا زائده‌ای که به نام «بالین» در بین مردم اصفهان مصطلح است. این زائده در بالای قبرهای و به صورت افقی، نشان از قبور مردان و زائده در بالا

جدول ۵- نمونه‌ای از نقش‌مایه‌های سنگ‌مزارهای برخی از گورستان‌های دوران ایلخانی تا قاجاریه (نگارندگان، ۱۳۹۸).

نقش‌مایه	نماد و مفهوم	تصویر	گورستان	منبع
سرو	درخت مقدس، خرمی و بهار بودن		دارالسلام شیراز	(مینوسپهر، ۱۳۹۲: ۲۵)
پرنده (بلبل و گنجشک)	روح متوفی		تخت فولاد اصفهان	(صفی‌خاین و همکاران، ۱۳۹۳)
قوچ	خوش یمنی، مبارک		گورستان کبود گنبد ورزقان	(نگارندگان، ۱۳۹۸)
شیر	حضرت علی، غلبه بر نفس اماره، عدالت و قانون		گورستان لرستان	(غضنفری، ۱۳۹۲: ۵۱)

بز	خورشید، ماه، حیات		قلعه شاداب	(کاظمی، ۱۳۹۵: ۹۰)
محراب	آیینی - مذهبی، خورشید!		گورستان گال ورزقان	(نگارندگان، ۱۳۹۸)
شمسه (دایره)	خورشید، چرخش زندگانی		تخت فولاد اصفهان	(صفی‌خانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۳)
لوازم زندگی	نشانگر حرفه و گاهاً جنسیت فرد متوفی		دره شهر	(شریفی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۹)
ابزار جنگ	حرفه شخص		موزه سنگ‌نگاره مراغه	(نگارندگان، ۱۳۹۸)

۷ نتیجه‌گیری

شامل تصویر گیاهی، هندسی، انتزاعی و نمادین، انسانی و ابزارآلات می‌شوند. بیشتر این نقوش به‌خصوص نقوش ایجاد شده بر روی سنگ‌مزارهای پیش از دوره قاجاریه، صرفاً جنبه تزیینی نداشته و دارای مفاهیم ویژه‌ای بوده‌اند و بیانگر اندیشه و احساس انسان‌هایی است؛ که رابطه میان صورت و معنای نقش را به‌خوبی می‌شناخته‌اند؛ به‌طور کلی نقوش فوق بیانگر مفاهیم نمادین از حیات و ممات، دنیای پس از مرگ، رستاخیز، فعالیت‌های روزمره و

در مقاله حاضر، به بررسی و مطالعه ۲۳ گورستان از دوران ایلخانی تا قاجاریه در برخی از مناطق مختلف ایران پرداخته شد. سنگ‌مزارهای این گورستان‌ها را به لحاظ شکل ظاهری و نحوه قرارگیری می‌توان به سه گروه اصلی نظیر سنگ‌مزارهای افقی، عمودی و ترکیبی (افقی - عمودی) طبقه‌بندی کرد. سنگ‌قبرهای فوق از نظر نقش‌مایه‌های تزیینی نیز



پی‌نوشت

- ۱- هانری رنه د آلمانی: مورخ و سیاح فرانسوی که در اواخر سده ۱۹ میلادی به ایران سفر کرده و سفرنامه‌ای با عنوان «سفرنامه از خراسان تا بختیاری» را نوشته است.
- ۲- اعتقادات به قرار دادن تندیس گوسفند و قوچ بر روی گورها به نظر می‌رسد ریشه در باورهای جوامع به‌خصوص در منطقه آذربایجان داشته باشد؛ به‌طوری که امروزه در برخی از روستاهای منطقه آذربایجان سر قوچ را به انتهای دیرک و ستون‌ها، به منزله خیر و برکت نصب می‌کنند (افندی‌اف، ۱۳۹۲: ۳۹)؛ همچنین سنگ قبر قوچ برای قبور مردان و سنگ قبر گوسفند در قبور زنان قرار داده می‌شد (Ağasioğlu, 2013: 31).

حرفه شخص متوفی است؛ همچنین در روند بازنمایی نقش‌مایه‌هایی سنگ‌مزارها تاریخی این گورستان‌ها، شاهد تکرار برخی از سنت‌های تصویری فرهنگ‌های پیش‌از اسلام نجد ایران هستیم؛ به‌طوری که حضور نقش‌مایه‌های نمادین و هندسی همچون چلیپا، دایره یا شمس، درخت سرو، شیر، آهو و بز که در داده‌های فرهنگی اقوام پیش‌از اسلام منطقه به فراوانی مورد استفاده قرار گرفته و کاربرد این تصاویر در این سنگ‌مزارها شاهی از امتداد سنت‌های تصویری چند هزار ساله در سنگ‌مزارهای فوق است؛ بنابراین نقش‌مایه‌های فوق بدون توجه به حوزه جغرافیایی خاص، دوره سیاسی مشخص، مذاهب و یا قوم خاص محدود نبوده‌اند و پژوهش حاضر نشان داد که بسیاری از نقش‌مایه‌های سنگ‌مزارهای مورد مطالعه متأثر از فرهنگ‌های ایران پیش‌از اسلام بوده و از نظر شکل ظاهری ارتباط نزدیکی با سنت‌های اقوام ترک‌زبان آسیای میانه دارد؛ بنابراین سنگ‌مزارهای فوق بیانگر اشتراک بین دو فرهنگ ایرانی - اسلامی و برخی از سنت‌های آسیای میانه بوده است.



کتاب‌نامه

خزایی، محمد (۱۳۸۰). «نقش شیر نمود امام علی»، کتاب ماه هنر، صص ۳۷-۳۹.

خلعتبری، محمدرضا (۱۳۸۳). *کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی تالش*، تهران: میراث فرهنگی.

دانیالی، توحید (۱۳۹۵). «بررسی مضامین کتیبه‌ها و تزئینات موجود بر روی سنگ‌قبرهای محوطه شهیدگاه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد ارتباط تصویری، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی (منتشر نشده).

رضالو، رضا؛ آیرملو، یحیی (۱۳۹۳). «آیین تدفین اسب در میان اقوام سکایی مطالعه موردی گورستان خرم‌آباد مشگین‌شهر»، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۶، شماره ۳، صص ۱۴۴-۱۱۳.

رنه آلمانی، دالمانی (۱۳۸۷). *از خراسان تا بختیاری*، تهران: طاووس.

ریچاردز، فردریک چارلز (۱۳۷۹). *سفرنامه ریچاردز*، ترجمه مهین دخت صبا، تهران: علمی فرهنگی.

زاهد، سمیه (۱۳۹۴). «مطالعه تطبیقی نقوش جاری‌شده بر سنگ‌قبرهای گورستان سفید چاه و گورستان خالد نبی»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نقاشی، دانشگاه الزهرا (منتشر نشده).

سعیدی رامیانی، عبدالله (۱۳۹۴). «بررسی و تحلیل سنگ‌افراشته‌های گورستان خالد نبی»، مجموعه مقالات دومین همایش باستان‌شناسی ایران، دانشگاه بیرجند.

سعیدی هرسینی، محمدرضا (۱۳۷۵). «بررسی شیوه تدفین در دوره پارت (۲۴۷ ق.م تا ۲۲۴ م)»

احمدزاده، فرید؛ حسینی، سید هاشم؛ نورسی، حامد (۱۳۹۷). «پژوهشی بر شناخت مضامین و نقوش سنگ‌قبر ایل گوران در شهرستان اسلام‌آباد غرب» مبانی نظری هنرهای تجسمی، شماره ۵، صص ۷۹-۹۲.

افقهی، مریم (۱۳۸۷). «بررسی نگاره‌های سنگ‌مقابر در دوره صفویه با تأکید بر پایتخت‌های این دوره»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد صنایع دستی، دانشگاه الزهرا (منتشر نشده).

افندی‌اف، راسیم (۱۳۹۲). *سنگ‌ها سخن می‌گویند*، ترجمه محمدعلی آرش‌فر، تبریز: دنیز.

آزادبخت، مسعود (۱۳۸۹). «بررسی نقوش آیینی و نمادین دوره اسلامی از آمدن ایلخانیان تا برآمدن قاجاریان»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان (منتشر نشده).

تهران.

پروین، صمد (۱۳۹۵). «بررسی باستان‌شناختی سنگ‌قبرهای اسلامی شهرستان مشکین‌شهر مطالعه موردی قبرستان اونار»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی (منتشر نشده).

پولاک، یاکوب ادواردز (۱۳۶۱). *سفرنامه پولاک*، ترجمه کیکاوس جهان‌داری، تهران: خوارزمی.

ترومپلمن، لئو (۱۳۷۳). «آیین قبور و تدفین»، ترجمه مولود شادکام، باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۸، شماره ۱۵، صص ۲۹-۳۷.

تناولی، پرویز (۱۳۵۴). *قالیچه‌های شیرازی فارس*، تهران: دانشگاه تهران.

جکسون، آبراهام والنتاین ویلیامز (۱۳۶۹). *ایران در گذشته و حال*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: خوارزمی.



کارشناسی‌ارشد پژوهش هنر، دانشگاه الزهرا (منتشر نشده).

مددی، حسین (۱۳۸۶). *نماد در بختیاری*، اهواز: مه‌زیار.

مقدم، عباس (۱۳۹۸). *نیایشگاه تل چگا سفلی*، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

موسوی کوهپر، سیدمهدی؛ خانعلی، حمید؛ نیستانی، جواد (۱۳۹۴). «سنگ‌های مزار نمودی از وحدت مذاهب مختلف اسلامی در ایران گونه‌شناسی طبقه‌بندی و مطالعه آرایه‌های سنگ‌مزارهای نوع گهواره‌ای»، فصلنامه پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، سال ۵، شماره ۲۰، صص ۱۳۳-۱۵۲.

مهرداد، سوگل (۱۳۹۳). «بررسی نقوش نمادین سفال‌های دوره ایلخانی»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد هنر اسلامی، تربیت مدرس (منتشر نشده).

میرجعفری، حسین؛ بزاز دستفروش، مهدی (۱۳۹۱). «مزارات بیلانکوه»، پژوهش‌های تاریخی، سال ۴۸، دوره جدید، سال ۴، صص ۱-۲۲.

وارنر، رکس (۱۳۸۶). *دانشنامه اساطیر جهان*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: اسطوره.

واندنبگ، لویی (۱۳۴۸). *باستان‌شناسی ایران باستان*، ترجمه عیسی بهنام، تهران: دانشگاه تهران.

وایه، گاستون (۱۳۶۳). *هنر در سده‌های نخستین اسلامی*، ترجمه رحمان ساروجی، تهران: نشر گیلان.

هال، جمیز (۱۳۸۰). *فرهنگ‌نگارهای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.

الیاده، میرچاد (۱۳۷۶). *رساله در تاریخ ایران*، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش.

پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).

شریفی‌نیا، اکبر؛ ساریخانی، مجید؛ دولت‌یاری، عباس؛ قائمی، نعیمه (۱۳۹۵). «شناخت و بررسی مضامین و نقوش تزئینی سنگ‌قبر شهرستان دره‌شهر در استان ایلام»، هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، دوره ۲۱، شماره ۱، صص ۲۳-۳۵.

صمدی، مهرانگیز (۱۳۷۴). *ماه در ایران از قدیمی‌ترین ایام تا ظهور اسلام*، تهران: علمی فرهنگی.

غضنفری، زهره (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی نقش‌مایه‌های تصویری سنگ‌قبرهای سده اخیر و مفرغ‌های لرستان»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد پژوهش هنر، دانشگاه پیام‌نور مرکز تهران (منتشر نشده).

فراست، مریم (۱۳۸۵). «همخوانی کتیبه و نقوش هندسی در بناهای اصفهان عصر صفوی»، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، سال ۳، شماره ۵، صص ۲۵-۴۴.

فرزین، علیرضا (۱۳۸۴). *گورنگاره‌های لرستان*، تهران: میراث فرهنگی.

فسایی، حسن‌بن‌حسن (۱۳۸۲). *فارسنامه ناصری*، تصحیح منصور رستگار فسایی، جلد ۲، تهران: امیرکبیر.

کارگر، محمدرضا (۱۳۷۲). «مقابر اسلامی و پایگاه فرهنگی آن در شمال‌غرب ایران - آذربایجان»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).

کاظمی، نوشین (۱۳۹۵). «بررسی بینامتنی نقوش سنگ‌قبرهای بختیاری»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد پژوهش هنر، دانشگاه الزهرا (منتشر نشده).

کاظمی، نوشین (۱۳۹۵). «بررسی بینامتنی نقوش سنگ‌قبرهای بختیاری»، پایان‌نامه



یونگ، کارل گوستاو (۱۳۵۲). *انسان و سمبل‌هایش*، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران: سپهر.

Ağasıoğlu, F., (2013). DAŞBABA TÜRKÜN DAŞ YADDAŞI, Baki.

Aksoy, M., (2012). TÜRK SANATININ TEMEL ÖZELLİKLERİ BAĞLAMINDA FARS SANATI İLE BİR KARŞILAŞTIRMA. *İdil Sanat ve Dil Dergisi*, 1(5), pp.32-48.

Aksoy, M., (2017). Bitlis ve Ahlat'ta Koç-Koyun Başlı Mezar Taşları, Kümbetler ve Damgalar. *Türk yourdu*, 35-38.

Aktemur, A.M., (2017). POSOF ÇEVRESİNDEKİ MEZARLIKLAR VE MEZAR TAŞLARI, 64, pp. 237-268.

ALYILMAZ, C. and ALYILMAZ, S., İĞDIR VE ÇEVRESİNDEKİ KOÇ HEYKELLİ MEZAR TAŞLARININ ÜZERLERİNDEKİ ARAP HARFLİ YAZITLAR. *Türk Dünyası Dil ve Edebiyat Dergisi*, (43), pp.305-345.

ARSLAN, A.S., (2017). "TAŞLAR KONUŞUR": TÜRK MEZAR TAŞLARININ BİÇİM DİLİ. *Uluslararası Türkçe Edebiyat Kültür Eğitim (TEKE) Dergisi*, 6(3), pp.1923-1937.

Baykara, T., (1993). Asya Türk Kültürünün Bir unsuru Olarak Mezar Taşı. *Vakıflar Haftası*, s. 127-131.

Berkli, Y., (2007). Erzurum'da Yeni Bulunan Haç Motifli Koç Heykelinin Düşündürdükleri. *Atatürk Üniversitesi Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü Dergisi*, 14(34), pp.215-232.

Berkli, Y., (2012). Azerbaycan-Bakü'de Bulunan İnsan Heykel Biçimli Mezar Taşları ve Orta Asya-

Azerbaycan-Anadolu ilişkisi. *Türk Kültürü ve Hacı Bektaş Velî Araştırma Dergisi*, (61).

Demirel, F., (2008). *Besni mezar taşları* (Doctoral dissertation, Selçuk Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü).

Ertan, D.A.Ş. (2014), Bozdoğan Mezar Taşları. *Sanat Tarihi Dergisi*, 19(2), pp.109-127.

Furtun, S., (2014). İğdir Karakoyunlu Tarihi Mezar Taşları, *Turkish Studies*, Volume 9/12, pp. 769-773.

Kleiss, W. (1986), *Berich Uber zwei Erkundungsfahrten in Nordwest - Iran*, *Archaeologische Mitteilungen Aus Iran*, 1-54.

Morier, J., (1818). *A Second Journey Through Persia, Armenia, and Asia Minor, to Constantinople, Between the Year 1810 and 1816 (etc.)*. Longman.

Mortensen, I., (1996). Nomad Iconography on Tombstones from Luristan, Iran. *Scripta Instituti Donneriani Aboensis*, 16, pp.219-228.

Stronach, D., 1981. Standing Stones in the Atrek Region: The Hālat Nabī Cemetery. *Iran*, 19(1), pp.147-150.

YILDIRIM, Y., (2016). KARAMAN MEZAR TAŞLARI TİPOLOJİSİ. *Şehir Dergisi*, Sayı: 18, PP. 97-129.